Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.4 (2); 2015, 85-110

دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی
سال دوم، شمارهٔ ٤، پاییز و زمستان۱۳۹۳، ۱۱۰-۸۵

در جست‌وجوی مدل برنامهٔدرسی برای رشد سرمایهٔ فرهنگی خانواده موفقیت تحصیلی فرزندان

In search of a curriculum planning model for the development of family's cultural capital and academic success of children

دکترحسنعلی میرزابیگی[1]

H.Mirzabeygin (Ph.D)

چکیده:

هدف از این تحقیق جستجوی مدلی برای برنامهٔ درسی رشد سرمایهٔ فرهنگی والدین تسهیل موفقیت تحصیلی فرزندان است. جامعهٔ آماری پژوهش ٥٤ خانواده به‌صورت تصادفی در دو منطقهٔ شمال و جنوب تهران و فرزندان آن‌ها که در چهار دبیرستان دولتی دخترانه و پسرانه مشغول تحصیل بودند،انتخاب شدند،.آنها توسط مشاوران متخصص مورد مصاحبه قرار گرفتند و گروه تجربی در یک کارگاه آموزشی ۱۰ ساعته آموزش خانواده باهدف رشد و یادگیری مؤلفه‌های سرمایهٔ فرهنگی ، شرکت کردند..یافته‌های حاصل نشان داد که آموزش منظم به والدین در سطح($p<0/05$) بر مؤلفه‌های سرمایهٔ فرهنگی خانواده و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت داشته است و برنامهٔ درسی اجراشده مشتمل بر،هدف‌ها ،محتوا، روش‌ها و فرایند یاددهی-یادگیری، رسانه‌ها و ارزشیابی توانسته است به رشد سرمایهٔ فرهنگی و ایجاد فضای فرهنگی غنی‌تر برای موفقیت تحصیلی فرزندان کمک کند.

کلیدواژه‌ها : سرمایهٔفرهنگی‌خانواده، برنامهٔ درسی، فرزندپروری و موفقیت تحصیلی..

Abstract:

The aim of this research is to search for a model for the curriculum planning of the parents' cultural capital growth and to facilitate the children's Progress in school. The statistical population consists of 54 families that are selected randomly from north and south of Tehran who their children were in grade 4 in high school. They were interviewed by professional interviewers and the experimental group participated in a training workshop for introducing families with cultural capital elements. The findings showed that regular training of parents in the level of $P<0.05$ has had positive effect on the family's cultural capital elements and the children's educational progress. The Implemented Curriculum consistes of goals, contents, methods, learning-teaching process, media and evaluation, has contributed considerably to the growth of the cultural capital and to the creation of richer cultural environment for the children's educational success.

Key words: family's cultural capital, curriculum, children education and school achivement.

۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز farhad_best10@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۱/۲۸ ، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۸

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مقدمه

بسیاری از مطالعات، موفقیت تحصیلی و شغلی را تحت تأثیر خاستگاه خانوادگی و تجارب تحصیلی افراد می‌دانند. و بر نقش خانواده و ساختار و منابع خانواده که شامل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود، تأکید می‌کنند.جریان تربیت کودک برای والدین لذت‌بخش و درعین‌حال با مشقت‌ها و ناراحتی‌های فراوانی همراه است(لیلی وایت وبرادلی[1]،۱۹۹٦) علی‌رغم سرمایه‌گذاری قابل‌توجه خانواده و نظام دولتی در آموزش‌وپرورش، بازدهی در نظام آموزش‌وپرورش مطلوب نیست. نرخ بالای مردودی و به‌خصوص افت تحصیلی در پایه اول متوسطه،فراوان است. همچنین وضعیت سرمایهٔ فرهنگی والدین نیز از عوامل بسیار مهم در ارتقاء کیفیت دانش آموزان قلمداد می‌شود به‌طوری‌که سرمایهٔ فرهنگی پایین خانواده،کیفیت تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد لذا خانواده‌هایی که دارای سرمایهٔفرهنگی پایین هستند،نه‌تنها انگیزه آموختن را از فرزندان خود می‌گیرند؛ بلکه توانایی‌های جسمی و ذهنی برای آموختن را از فرزندان خودمی گیرند و تحت تأثیر قرار می‌دهند.(لاریو و وینینگر[2]،۲۰۰۳).

استدلال بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، در بحث از فرهنگ که در حال حاضر مواد اصلی کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش را تشکیل می‌دهد، توجه محققان را به فرهنگ به‌عنوان منبع و سرمایه‌ای که قابلیت انحصار و انتقال در بین نسل‌ها دارد و نقش مهمی در دسترسی به پاداش‌های کمیاب ایفا می‌نماید، معطوف نموده است (لاریو و وینینگر،۲۰۰۳).

بوردیو سه نوع عمدهٔ سرمایه را معرفی می‌کند که می‌تواند موفقیت‌های تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهد؛ نخست، سرمایهٔ اقتصادی که شامل دستمزد یا دیگر انواع دارایی‌های مادی مثل حجم سرمایه و دارایی می‌شود و به‌صورت سرمایه‌گذاری مستقیم مثل پرداخت شهریه آموزشی و ثبت‌نام در نهادهای آموزشی معتبرمورد استفاده دانش‌آموز قرار می گیرد یا به‌صورت غیرمستقیم در قالب کمک‌های مالی به فرزندان برای ارتقای عملکرد تحصیلی آن‌ها نقش دارد. دوم، سرمایهٔ اجتماعی است که می‌تواند به‌صورت مستقیم در موفقیت تحصیلی دانش آموزان در برخی آموزش‌ها (مثلاً در رشته‌های فنی) که دانش آموزان برای تکمیل موفقیت خود نیاز به موقعیت‌های کارآموزی دارند، دارای اهمیت باشد.سوم، سرمایهٔ فرهنگی است که شامل آموزش و دانش، ذائقه‌ها و ترجیحات والدین و اطلاعات خاص آن‌ها از سیستم آموزشی(جی گر و

[1] Lilly withe , H.S. &BRRADLY
[2] Lareau, A. Weninger,

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

هولم،۲۰۰۷)، تحصیلات رسمی(دیماجیو،۱۹۸۲)، تعاملات فرهنگی فضای خانواده (ترامونت و ویلیامز،۲۰۰۹) است.

نکتهٔ اساسی در بحث سرمایهٔ فرهنگی، این است که سرمایه (به‌استثنای سرمایهٔ فرهنگی عینی) به ارث نمی‌رسد، بلکه به‌طور ضمنی و در طی فرآیند جامعه‌پذیری انتقال پیدا می‌کند.

تحقیقات متعدد نشان می‌دهد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها افرادی آگاه و آموزش‌دیده هستند و بهتر به راهنمایی آن‌ها می‌پردازند بیشتر است. در تحقیقی که به‌وسیلهٔ "لیتل "و همکارانش (۱۹۷۳) انجام‌شده است، تفاوت دانش‌آموزان ازلحاظ سن، سطح تحصیلات والدین و پایداری خانوادگی آن‌ها، موردبررسی قرارگرفته است. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که پیشرفت کودکانی که والدین باسواد و آموزش‌دیده داشته‌اند بیشتر بوده است.

تحقیق دیگری درزمینهٔ روش‌های تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط « ریموند کتل »و « دیلمن بارتن » انجام‌شده است هدف این تحقیق بررسی این نکته بوده است که آیا رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر است یا نه ؟ نتیجهٔ کلی تحقیق این بود که اولاً رفتار والدین با فرزندان در قدرت‌های شناختی ازجمله در پیشرفت تحصیلی مؤثر است. ثانیاً سختگیری و محبت بیش از حد والدین به فرزندان، موجب عقب‌ماندگی تحصیلی آن‌ها می‌شود (آرمند، ۱۳۷۲).

در ضمن مینوچین[1] بر این باور است که، «فرد بدون خانواده، قابل‌تعریف نیست. درواقع *خانواده* کانون شکل‌گیری و هویت فرد است» (همان :ص۲۹). باقر ثنائی نیز معتقد است، « انسان عمدتاً وارث برنامه‌ریزی‌های خودآگاه و ناخودآگاه خانواده و برون سازی‌های دوران کودکی خود با آن‌هاست» (همان : ص۲۱). ماکس هورکهایمر[2] معتقد است که « از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار (دیکتاتوری در سطح جامعه) آماده می‌سازد، خانواده در مقام اول قرار دارد.» (اعزازی، ۱۳۷٦ ؛ص۲۰)

سرمایهٔ فرهنگی [3] اصطلاحی جامعه‌شناختی است و از زمانی که پی یربوردیو در سال۱۹۷۳ آن را مطرح ساخت،کاربرد گسترده‌ای پیدا کرد. انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر را بازتولید فرهنگی گویند. بازتولید فرهنگی به مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که به‌وسیلهٔ آن‌ها تجربهٔ فرهنگی در طول زمان استمرار می‌یابد. فرایندهای تعلیم و تربیت در جوامع امروزی

[1] Salvador Minuchin
[2] Max Horkheimer
[3] Cultural Capital

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ازجمله مکانیسم‌های اصلی بازتولید فرهنگی‌اند و تنها از طریق آنچه در دوره‌های آموزشی رسمی آموخته می‌شود، عمل نمی‌کنند. بازتولید فرهنگی به شیوه‌های ژرف‌تر از طریق برنامه‌های پنهان (جنبه‌های رفتاری که افراد به شیوه‌های غیررسمی در مدرسه می‌آموزند) صورت می‌گیرد.بر طبق نظریهٔ بازتولید فرهنگی بوردیو، خانواده‌هایی بافرهنگ بالا یا بافرهنگ پائین، توانایی‌ها، مهارت‌ها، روش‌ها و سلیقه‌هایی را ایجاد می‌کند که در عرصهٔ آموزش از ارزش بسیاری برخوردار است. در تئوری بوردیو، کارکرد واقعی مدرسه تنها انتقال دانش نیست،بلکه تولید و بازتولید نظام موجود نابرابری‌های اجتماعی است،لذا تنها بچه‌های طبقهٔ بالای جامعه این امکان رادارند که به‌راحتی بتوانند امتیازات فرهنگی‌شان را لمس کنند (تاج‌بخش١٣٨٤:ص١٤٣). وجه مشخصه در بررسی سرمایهٔ فرهنگی به‌عنوان عامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی افراد وجود یا عدم وجود این سرمایه در داخل خانواده و یا در محیط زندگی و بازتولید آن‌ها از طریق فرزندان است. سه منبع عمدهٔ سرمایه فرهنگی ازنظر بوردیو عبارت‌اند از : پرورش خانوادگی،آموزش رسمی و فرهنگ شغلی .انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایهٔ فرهنگی و کسانی که فاقد آن هستند،می‌شود.

ویژگی بارز سرمایهٔ فرهنگی بوردیو تحلیل سازوکار موفقیت‌های تحصیلی با توجه به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش‌آموزانی که سرمایهٔ فرهنگی بیشتری دارند (دانش آموزان متعلق به خانواده‌هایی که مهارت‌های برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیاردارند)بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها وبرتری های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالاتر تحصیلی راه یابند.بر این اساس،طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایهٔ فرهنگی می‌برند و لذا بیشتر قادر خواهند بود که این نوع سرمایه را در فرزندانشان به ودیعه بسپارند. با افزایش سرمایهٔ فرهنگی در نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان افزایش می‌یابد.(خدایی،١٣٨٥)

سرمایهٔ فرهنگی ازنظر بوردیو شامل سلیقه‌های خوب، شیوهٔ راه و رسم پسندیده، پیچیدگی شناختی،شناختن و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی مشروع از قبیل موسیقی، تئاتر و ادبیات است. پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی سه منبع در افراداست که باعث تفاوت بین دارندگان و افراد فاقد این سرمایه می‌شوند (بوردیو،١٩٨٤ ص٢١١) شناختن و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی ناشی از تفاوت در قریحه است که نزد بوردیو، اهمیت فراوانی دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بر این اساس این فرض در ذهن شکل می‌گیرند که والدینی که از سرمایه‌های فرهنگی پایین‌تری برخوردارند،فضاهای فرهنگی سطح پایین‌تری را در خانه تولید خواهند کرد.در چنین فضاهایی نمی‌توان انتظار شناخت،رشد و شکوفا شدن استعدادها و بارور شدن خلاقیت‌های فرزندان را داشت.هم‌چنین خانواده‌هایی که فضاهای فرهنگی بد یا ناسالمی داشته باشند،احتمال بیشتری برای داشتن فرزندان ناسالم ایجاد می کند.

پژوهش‌های انجام‌شده (بهرامی،۱۳۸۷)نشان داده است که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری استبدادی و سهل گیراست.به‌علاوه سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با تحصیلات پدر رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.نتایج نشان داده‌اند،افزایش اطلاعات پدران باعث آگاهی آن‌ها نسبت به سبک تربیت در مورد فرزندانشان و این موضوع منجر به در پیش گرفتن سبک تربیتی بهتر در آنان می‌شود.

همچنین در پژوهش دیگری(منادی،۱۳۸٦)بررسی سرمایه‌های فرهنگی و فضاهای فرهنگی و سبک زندگی خانواده‌ها نشان داده‌شده که ۱٦ درصد والدین دارای سرمایهٔ فرهنگی بالا و٤۱ درصد متوسط و٤۳ درصد پایین بودند.در هر دسته اکثریت آن‌ها،فضاهایی مطابق با سرمایه‌های فرهنگی خود تولید کرده‌اند.تحقیقات نشان می‌دهند که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند تأثیر متقابل کودک و والدین و نحوهٔ برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود. (نوابی نژاد،۱۳۷۰)

ازجمله متغیرهایی که در ارتباط با شیوه‌های فرزند پروری موردتوجه و بررسی محققان و پژوهشگران روان‌شناسی و متخصصین تربیتی قرارگرفته است می‌توان به رشد اجتماعی (مهرابی، ۱۳۷٦)، سازگاری اجتماعی، عزت‌نفس و خودکنترلی (برک،به نقل از مارسل، ۱۹۹۷) نیز (حسینیان آقا ملکی، ۱۳۷٦)، بلوغ شخصیتی (لامبورن و همکاران [1]۱۹۹۱،به نقل از لیل آبادی، ۱۳۷۵)، انگیزش (پیزو، ۱۹۹۳، گلیسون و دیگران [2]به نقل از شارون و همکاران ۱۹۹۷) خودتنظیمی (ملک مکان، ۱۳۷۸)و مکان کنترل، رشد اخلاقی، اضطراب و هوش(برندت،۱۹۹۷ به نقل از مهر افروز ۱۳۷۸) اشاره نمود در همین رابطه نتایج تحقیقات دوبینس[3] (۲۰۰٦)، برومند نسب (۱۳۷۳) مهر افروز (۱۳۷۸) و پور عبدلی و همکاران (۱۳۸۷)نشان می‌دهد والدینی که

1.Lamborn and et al 1-
2.Pizoo,gleason-2
3.dobbines-3

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

انتظارات درونی بیشتری از فرزند خود داشته و ازنظر سطح پاسخ‌گو بودن (گرمی، پذیرش و تعهد) و درخواست‌کنندگی(کنترل و نظارت) در سطح بالایی باشند و به شیوهٔ اقتدار منطقی با فرزندان خود رفتار نمایند، فرزندانی با توان کنترل درونی بیشترتربیت می کنند.

براساس نظریه بامریند(۱۹۹۱)،سبک‌های فرزند پروری به‌عنوان واسطهٔ بین متغیرهای هنجاری آنان و جامعه‌پذیری فرزندان عمل می‌کند و با شایستگی‌های اجتماعی رابطه دارد.همچنین (کوریدو،وارنر وایبرگ،[1]۲۰۰۲) نشان دادند که بین سبک‌های فرزند پروری مقتدر با سازمان‌دهی، پیشرفت تحصیلی و جهت‌گیری عقلانی در کودکان رابطه مثبت وجود دارد همچنین تحقیقات نشان داده است که نوجوانانی که والدین خودکامه دارند کمتر متکی‌به‌خود هستند ونمی توانند به‌تنهایی کاری انجام دهند یا از خود عقیده‌ای داشته باشند شاید به این دلیل که به‌قدر کافی فرصت نداشته‌اند که عقاید خود را بیازمایند یا مستقلانه مسئولیت قبول کنند(آلدر،۱۹۸۰ و لوئیس[2]،۱۹۸۲)در ضمن این نوجوانان اعتمادبه‌نفس کمتر و استقلال و خلاقیت کمتری دارند،ذهن کنجکاوی ندارند،ازلحاظ رشد اخلاقی کمتر رشد یافته‌اند و در برخورد با مشکلات روزمره عملی،تحصیلی و ذهنی انعطاف‌پذیری کمتری دارند. پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه در سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی را نشان می‌دهد،که دلایل آن را می‌توان اهمیت روزافزون این موضوع در جوامع، علاقه‌مندی پژوهشگران به بررسی روابط انسانی و تهیهٔ مقیاس‌های روان‌سنجی مرتبط داشت اما بیشتر پژوهش‌ها معطوف به شیوهٔ تربیتی مادران و دوران کودکی بوده است و به دوران نوجوانی کمتر توجه شده است. از طرفی خانواده یک متغیر فرهنگی، اجتماعی و محیطی است که اثر تعیین‌کننده‌ای در اکثر فرایندهای روانی تربیتی دارد. شناخت این متغیرها و بررسی آن‌ها نیز مهم و اساسی است؛ لذا شایسته است در این حوزه بررسی و تحقیق بیشتری صورت گیرد.

توجه به نقش خانواده، ضرورت مطالعات و پژوهش‌های مستمر علمی را در حوزهٔ مسائل خانواده و آموزش‌وپرورش نمایان می‌سازد. نحوهٔ تعامل خانه و مدرسه از دیرباز موضوع مشترک خانواده و نظام آموزش‌وپرورش بوده است. شاید بتوان گفت عدم اهتمام و توجه لازم به این امر سبب بروز مسئله‌های فراوانی برای هر دو نهاد در سال‌های اخیر گردیده است. در این رابطه فریمو[3] می‌گوید : "اثر خانواده بر اشخاص از تمام نیروهایی که تابه‌حال شناخته‌شده، بیشتر است.

[1] Querido,warner,eyberg
[2] Alder,loeis
3 ferimo

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

یعنی اثر خانواده فراتر از فرهنگ جامعه، دنیای کار، دوستان، نزدیکان و امثال آن‌هاست." (ثنائی، ۱۳۷۸ :ص ۲٦).

برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده، که باهدف نزدیک کردن روش‌های تربیتی والدین و مربیان و درنهایت تغییر در رفتار آنان صورت می‌گیرد، حائز اهمیت است.تحقیقات نشان داده است که فرزندان والدینی که در این جلسات شرکت می‌کنند،مشکلات رفتاری کمتر و پیشرفت درسی و فرهنگی بیشتری پیدا می‌کنند(هورنبای،۲۰۰۰).

به‌طورکلی این پژوهش قصد دارد به بررسی این پرسش بپردازد که سرمایهٔ فرهنگی والدین چه رابطه‌ای با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد.و آیا رشد سرمایه‌های فرهنگی از طریق آموزش امکان‌پذیر است؟درواقع سؤال اساسی این پژوهش این است که آیا برنامهٔدرسی آموزش خانواده برای رشد سرمایهٔ فرهنگی و تسهیل موفقیت تحصیلی فرزندان، آموزش اثربخشی است؟ و آیا بین شیوه‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد یا نه و بالاخره برنامهٔدرسی اثربخش برای این منظور کدام است؟

اهداف تحقیق

۱. بررسی تأثیر آموزش خانواده بر ارتقای آگاهی‌های خانواده مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی).
۲. بررسی تأثیر آموزش خانواده بر بهبود رابطه خانواده با محصولات فرهنگی(کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها و دوربین).
۳. ارزیابی تأثیر آموزش خانواده بر تمایل والدین به اخذ مدارک تحصیلی بالاتر و اخذ گواهینامه‌های معتبر مهارت.
٤. ارزیابی تأثیر برنامهٔدرسی آموزش خانواده بر شیوه‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی فرزندان.
۵. ارائه مدل برناملدرسی آموزش خانواده برای رشد سرمایهٔ فرهنگی و موفقیت تحصیلی فرزندان

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش جست‌وجوی مدلی برای برنامه درسی مؤثر بر سرمایهٔ فرهنگی خانواده و پیشرفت تحصیلی است، روش پژوهش از نوع شبه تجربی، مطالعات همبستگی و توصیفی است که در آن از شیوهٔ جمع‌آوری پیمایشی استفاده‌شده است. در جلسه‌ای با هماهنگی انجمن اولیا و مربیان،اهداف برنامه تشریح و نهادن تقویم اجرایی کارگاه آموزشی ۱۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ساعته مورد توافق قرارگرفت و گروه تجربی آموزش دیدند و گروه گواه آموزشی دریافت نکردند. پرسشنامه مؤلفه‌های سرمایهٔ فرهنگی و الگوهای فرزندپروری در دو مرحله پیش و پس‌آزمون اجرا شد.

تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش به کمک نرم‌افزار spss انجام‌گرفته است. به‌منظور توصیف داده‌ها از روش آمار توصیفی(از قبیل میانگین، فراوانی و انحراف معیار و واریانس و در سطح آمار استنباطی از تحلیل کوواریانس)، و به‌منظور آزمون فرض‌های پژوهش از ضریب رگرسیون چند متغیره،آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

حجم نمونه

حجم نمونه ما ٥٤ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره متوسطه در دو منطقه شمال و جنوب تهران می‌باشند. در هر دوره ۲۷ نفر از والدین در گروه آزمایشی و ۲۷ نفر دیگر را گروه کنترل قرار داده شدند. در گروه آزمایش و کنترل ۱۳ نفر پدر و ١٤ نفر مادر قرار گرفتند. سپس برای مطالعه دانش آموزان دبیرستانی آن خانواده‌ها، انتخاب شدند.

ابزارها

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه و معدل سالانه دانش‌آموز به‌عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است.

۱-پرسشنامهٔ ۳۰ سؤالی: شیوه‌های فرزند پروری (بامریند) اساس قرار گرفت که فرم اولیهٔ این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است و توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شده است. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه‌شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسش‌های شماره ۱۳،١٤،۲۸ و ٢٦ روی هیچ عاملی بار نمی‌شوند درنتیجه پرسش‌های مذکور حذف شدند. این پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. جمله‌های شماره ۲۸، ۱،٦،۱۰،۱۳،١٤،۱۷،۱۹،۲١،٢٤ به شیوهٔ سهل گیرانه و جمله‌های شماره‌های،۲٦،۲٥،۱،۱٦،۱۲،۹،۷،۳،۲،۲۹ به شیوه‌ی استبدادی و جمله‌های ۳۰،۲۷،۲۳،۲۲،۲۰،۱٥،۱۱ به شیوه‌ی قاطع و اطمینان‌بخش مربوط است؛ که در مقابل هر عبارت ٥ ستون (کاملاً موافقم تا حدودی موافقم، تاحدوی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ٤ نمره‌گذاری شده است که با جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سؤالات نمره مجزا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

به دست می‌آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تأییدشده است بورای[1] (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی)[2] استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوهٔ استبدادی رابطل منفی با سهل گیری (r=۰/۳۸) و اقتدار منطقی (r=۰/٤۸) دارد؛ و شیوهٔ سهل گیری رابطهٔ معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت (r=۰/۷) (مهرافروز،۱۳۷۸).

بورای (۱۹۹۱) برای محاسبهٔ پایایی از روش (باز آزمایی)[3] استفاده کرد و نتایج زیر را به دست آورد.۰/۸۱ برای شیوهٔ سهل گیرانه،۰/۸٦ برای شیوهٔ استبدادی،۰/۷۸ برای شیوهٔ اقتداری. او همچنین ثبات درونی را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ[4]) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوهٔ سهل گیری ۰/۸۵ برای شیوهٔ استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوهٔ اقتدار منطقی به دست آورد (مهرافروز،۱۳۷۸).

در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷٤) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب‌نظر درزمینهٔ روان‌شناسی و روان‌پزشکی (۲ نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر روان‌پزشک،۲ نفر کارشناسی ارشد روان‌شناسی،۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان‌شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جملهٔ پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که پرسشنامهٔ مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است پرسشنامه در دو مرحله پیش و پس‌آزمون اجرا شد.

۲-پرسشنامهٔ سرمایهٔ فرهنگی، این پرسشنامه که محقق ساخته است و دارای ٤ گویه است که مؤلفه‌های سرمایهٔ فرهنگی خانواده را از قبیل میزان علاقه‌مندی به شرکت در فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها و دوربین، تمایل به اخذ مدارک تحصیلی بالاتر و اخذ گواهینامه‌های معتبر مهارتی، شیوه‌های فرزندپروری را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه ازنظر روایی و پایایی ارزیابی شد. همچنین در این پژوهش از معدل کل دانش آموزان در پایان سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ به‌عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی استفاده شد.

[1] Burai
[2] diseriminant
[3] test petest
[4] Cronbach coefficient alpha

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روایی و پایایی ابزار

در این پژوهش، برای بررسی روایی ابزار، پرسشنامه‌ای تدوین شد که برخی از گویه های آن در تحقیقات پیشین مورد آزمون قرارگرفته و اعتبار آن‌ها تأییدشده بود. علاوه بر این، گویه های جدید توسط کارشناسان و متخصصان تجدیدنظر و اصلاح شدند. درنتیجه، گویه هایی انتخاب شدند که از توافق ضمنی در میان داوران برخوردار بودند. به‌منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون آماری T نمونه‌های مستقل و سطح معنی‌دار (sig) استفاده‌شده است.

شیوه اجرا

گروه تجربی، در کارگاه آموزشی ۱۰ ساعته در سه جلسه به‌صورت گروه‌های پنج‌نفره سازمان‌دهی شدند. محتوای دوره به شیوه فعالیت محور (٤٥ درصد فعالیت مدرس و ٥٥ درصد فعالیت شرکت‌کنندگان) آموزش داده شد. پرسشنامه‌ها در دو مرحله پیش و پس از آزمون توزیع و اجرا شد. (برنامه درسی اجراشده محفوظ است)

نتایج و یافته‌های پژوهش:

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد میزان آشنایی والدین با زبان خارجی

موارد	پدر		مادر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
عدم آشنایی	۱۸	۷۲	۲٦	۸۹/٦
آشنایی نسبی به یک‌زبان خارجی	٥	۲۰	۲	۷
آشنایی بادوزبان خارجی	۲	۸	۱	۳/٤
جمع	۲٥	۱۰۰	۲۹	۱۰۰

یافته‌ها نشان می‌دهد ۷۲ درصد پدران و ۸۹/٦ درصد مادران با هیچ‌یک از زبان‌های خارجی آشنایی ندارند.۲۰ درصد پدران و ۷ درصد مادران تا حدی با یک‌زبان خارجی و فقط ۸ درصد پدران و ۳/٤ مادران با دو زبان خارجی آشنایی دارند.

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی و درصد میزان عضویت والدین در کتابخانه‌ها

موارد	پدر		مادر	
اصلاً عضو نیستند	۲۰	۸۰	۲٥	۸٦
عضویت در یک کتابخانه	۳	۱۲	۲	۷
عضویت در دو کتابخانه	۱	٤	۲	۷
عضویت در سه کتابخانه و بیشتر	۱	٤	۰	۰
جمع	۲٥	۱۰۰	۲۹	۱۰۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

یافته‌ها نشان می‌دهند که ۸۰ درصد پدران و ۸٦ درصد مادران در هیچ کتابخانه‌ای عضویت ندارند.۱۲ درصد پدران و ۷ درصد مادران دریک کتابخانه و ٤ درصد پدران و ۰ درصد مادران در سه کتابخانه و بیشتر عضویت دارند.

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی میزان بازدید از اماکن و آثار تاریخ و موزه‌ها

موارد	فراوانی	درصد
صفر	۲۷	۵۰
یک تا دو بار	۲۰	۳۷
سه تاچهاربار	۵	۹
پنج بارو بیشتر	۲	٤
جمع	۵٤	۱۰۰

یافته‌های پژوهش می‌دهند که ۵۰ درصد خانواده‌ها تاکنون از هیچ‌یک از آثار تاریخی و یا موزه‌ها بازدید نداشته‌اند. ۳۷ درصد یک یا دو بار،۹ درصد سه تا چهار بارو ٤ درصد پنج بارو بیشتر بازدید داشته‌اند.

جدول شماره ٤ توزیع فراوانی میزان فعالیت در برنامه‌های هنری و...

نوع برنامه	فراوانی	درصد
عدم فعالیت و حضور	۸	۱۵
شرکت وحضوردریک فعالیت(زبان، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش	۲۲	٤۰
فعالیت در بیش از یک برنامه	۲٤	٤۵
جمع	۵٤	۱۰۰

یافته‌ها نشان داده‌اند که ۱۵ درصد خانواده‌ها در هیچ‌یک از فعالیت‌های فوق‌برنامه حضور نداشته‌اند و ٤۰ درصد آنان در یک یا چند فعالیت شرکت داشته‌اند و ٤۵ درصد در بیش از یک برنامه حضورداشته‌اند.

جدول شماره ۵ توزیع فراوانی میزان برخورداری از تجهیزات فرهنگی

تجهیزات فرهنگی	دارند		ندارند	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کامپیوتر	۳۵	٦۹	۱۹	۷
خط اینترنت	۳۰	۵۹	۲٤	٤۵
رسانه‌های تصویری	۵٤	۱۰۰	۰	۰
موبایل	۵٤	۱۰۰	۰	۰
دوربین	۵۱	۹۵	۳	۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

یافته هانشان داده است که ٦۹ و ۵۹ و ۱۰۰ و ۱۰۰ و ۹۵ درصد خانواده‌ها به ترتیب از تجهیزات فرهنگی برخوردار بوده و ۷ درصد کامپیوتر،٤۵ درصد خط اینترنت، و ۵ درصد دوربین ندارند.

جدول شماره ٦ توزیع فراوانی میزان سرمایه فرهنگی خانواده‌ها

موارد	فراوانی	درصد
پایین	١٤	٢٦
متوسط	٣٠	٥٦
بالا	١٠	١٨
جمع	٥٤	١٠٠

برای محاسبه و تعیین سرمایهٔ فرهنگی، ابتدا Z هریک از شاخص‌های فوق محاسبه و حاصل جمع آن بر تعداد شاخص‌ها تقسیم‌شده است. درواقع میزان سرمایهٔ فرهنگی خانواده‌ها، معدل تمامی شاخص‌های فرهنگی ارائه‌شده است. ملاحظه می‌شود ٢٦ درصد درحدپایین و ٥٦ درصد در حد متوسط و ١٨ درصد در حد بالا می‌باشند.

جدول شماره ۷ مقایسهٔ توزیع تجربی با توزیع نرمال

ابعاد آموزش خانواده (سرمایهٔ فرهنگی)	Absolute	Positive	Negative	K-SZ	Tailed p
ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط ونقاشی، ورزش وزبان خارجی)	٠/٣٤٧٠	٠/٢٤٠١	−٠/٣٤٧٠	٣/٦٢٣٤	٠/٠٠٠
بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین)	٠/٢٤٦٨	٠/١٦٥٩	−٠/٢٤٦٨	٢/٥٧٧٣	٠/٠٠٠
مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	٠/٢٣٩٤	٠/١٦٤١	٠/٢٣٩٤	٢/٥٠٠٢	٠/٠٠٠
شیوه‌های فرزند پروری	٠/٢٧١٩	٠/١٨٤٩	−٠/٢٧١٩	٢/٨٣٩٦	٠/٠٠٠

بر اساس آزمون کالموگراف - اسمیرنف با توجه به اینکه آماده K - S Z از احتمال دو دامنه P<0.05 معنادار است بنابراین توزیع نمرات در خصوص علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوترو رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند. به‌عبارت‌دیگر K - S محاسبه‌شده در سطح معنی‌داری ۹۵٪ از مقدار بحرانی جدول بیشتر است بنابراین بین توزیع نمرات با توزیع نرمال تفاوت وجود دارد. لذا در تجزیه‌وتحلیل آمار استنباطی مجموع نمرات هر یک از ابعاد به رتبه تبدیل گردیده و از آزمون‌های ناپارامتریک U مان ویتنی و کروسکال – والیس استفاده‌شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره ۸: مقایسه میانگین رتبه ابعاد آموزش خانواده در دو گروه آموزش‌دیده و آموزش ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش دیده میانگین رتبه	آموزش ندیده میانگین رتبه	P	Z
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	٦٩/٠٣	٤١/٢٣	٠/٠٠٠	−٥/١٥٧٤
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	٧٠/٤٩	٣٩/٣٥	٠/٠٠٠	−٥/٤٩
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	٦٥/٧٥	٤٤/٤٥	٠/٠٠٠	−٣/٧١٤
٤	شیوه‌های فرزند پروری	٧٠/٤١	٣٩/٨٧	٠/٠٠٠	٥/٣٠٠٤

بر اساس آزمون u مان – ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه‌شده در خصوص « علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوترو رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری در سطح $P < 0.05$ معنادار بوده است. بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده و آموزش ندیده تفاوت وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده بیشتر از والدین آموزش ندیده، بوده است. پس میزان تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود در بین والدین آموزش‌دیده بیشتر از والدین آموزش ندیده است و فرضیه‌های اول تا ششم تأیید می‌شود .

جدول شماره ۹: مقایسه میانگین رتبه ابعاد آموزش خانواده در دو گروه آموزش‌دیده و آموزش ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش‌دیده میانگین رتبه	آموزش ندیده میانگین رتبه	P	Z
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	٣٥/٤٧	٢١/٩٥	٠/٠٠٠	− ٥/٧١١٩
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	٤٨/٥١	٢٠/٧٥	٠/٠٠٠	٥/٨٧٧٩
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	٤٦/٧٦	٢٢/٨٩	٠/٠٠٠	−٥/٠٩٤٢
٤	شیوه‌های فرزند پروری	٤٧/٦٨	٢١/٧٧	٠/٠٠٠	−٥/٥٥٣١

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بر اساس آزمون مان – ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه‌شده در خصوص علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری در سطح $P< 0.05$ معنادار بوده است. بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در دوره متوسطه تفاوت وجود دارد و میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده بیشتر از والدین آموزش‌ندیده بوده است. پس فرضیه شماره هشت تأیید می‌شود یعنی بین میزان تأثیر آموزش خانواده بر سرمایه فرهنگی والدین آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در دوره متوسطه در خصوص مؤلفه‌های ٤ گانه تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۰: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌ندیده در سطوح مختلف تحصیلی

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	بی سواد	خواندن و نوشتن	سیکل	ابتدائی	راهنمائی	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	H	P
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۳٦	۱۹/٥٦	۲۷/٤٤	۲۳/۳٦	۲۹	۳۹/۲۰	۳٥	۷/٦۸۳۷	۰/۲٦۲۲
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۲۸/٥	۲٥/٦۷	۲۷/۳۸	۲٤/٤۳	۲۳/٥٥	٤٤	۳۲/۸۸	۷/٤۹٤۸	۰/۲۷۷٥
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۳۷/۸۳	۲۱/۱۱	۲۷/٥۹	۲۳/٥	۲٤/۹٥	٤٤/۲	۳۳/۱۳	۹/۹۳٥۹	۰/۱۲۷٤
٤	شیوه‌های فرزند پروری	۳٦	۱۹/٥	۲۸/۸۸	۲۲/۸٦	۲۲/٦	٤٤/۲	۳۹/٦۳	۷/٦۸۳۷	۰/۲٦۲۲

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بر اساس آزمون کروسکال والیس با توجه به اینکه H محاسبه‌شده در خصوص ابعاد ۱، ۲، 3 ، 5، 6در سطح P<0.05 معنادار نیست بنابراین بین میانگین رتبه پاسخگویان آموزش‌ندیده در طبقات مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد؛ اما H محاسبه‌شده در خصوص شیوه‌های فرزندپروری در سطح P<0.05 معنادار است. بنابراین بین میانگین نمرات والدین آموزش‌ندیده در طبقات مختلف تحصیلی در این بعد تفاوت وجود دارد. به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت بین میزان آگاهی والدین آموزش‌ندیده و طبقات مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد. بنابراین فرضیه شماره نه رد می‌شود یعنی بین میزان آگاهی والدین آموزش‌ندیده و طبقات مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد.

جدول شماره ۱۱: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده در سطوح مختلف تحصیلی

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	P	H	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	سوم راهنمایی	پنجم ابتدایی	خواندن و نوشتن	بی‌سواد
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۰/۱۵۳۲	۹/۳۸۱۳	۳۳	۲۸/۲۷	۳۰/٤۰	۲۷/۸۰	۲۰/۸۳	۲۵/۱۳	۷
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۰/۲۰۲۱	۸/۵۲۵٦	۲۵/۷۵	۲۵/۵۵	۳۱/۱	۲۱/۵	۳۱/۰٦	۱۲/۲۵	٤۳
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۰/۷۷٦۸	۳/۲۲۰۸	۳٤/۷۵	۲٦	۲۸/٤۵	۲٦	۲۲/۸۹	۲۸/۵	٤۱
٤	شیوه‌های فرزند پروری	۰/۲۳۰۲	۸/۱۰۹٤	۲۵/۷۵	۳۲/۱٤	۳۱/۰۲	۲۱/۷	۱۹/۵٦	۲۱/۵	۳۷/۵

بر اساس آزمون کروسکال والیس با توجه به اینکه H محاسبه‌شده در خصوص ابعاد آموزش خانواده در سطح P<0.05 معنادار نیست بنابراین بین میانگین رتبه پاسخگویان آموزش‌دیده در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد. به‌عبارت‌دیگر بین میزان آگاهی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

والدین آموزش‌دیده و سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد. پس فرضیه شماره مربوطه تأیید نمی‌شود.

جدول شماره ۱۲: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین زن آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش ندیده میانگین رتبه	آموزش‌دیده میانگین رتبه	Z	p
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی(	۲۲/۱۵	۳٤	۳/۱۷۵۳	۰/۰۰۱۵
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۱۹/۳٦	۳٦/۱۸	-۳/۹۵۵٦	۰/۰۰۰۱
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۲۳/۲۸	۳۲/۷۷	-۲/۲٤۲٤	۰/۰۲٤۹
٤	شیوه‌های فرزند پروری	۲۰/۱۵	۷۵/۷۳	-۰/۷۹۹۰	۰/۰۰۰۱

بر اساس آزمون مان - ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه‌شده در سطح $P<0.05$ معنادار است بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین زن آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در خصوص « علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری تفاوت وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر میانگین رتبه نمرات زن آموزش‌دیده بیشتر از میانگین رتبه نمرات زن آموزش‌ندیده بوده است. بنابراین بین میزان تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین زن آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در خصوص ابعاد شش‌گانه تفاوت وجود دارد. بنابراین فرضیه مربوطه تأیید می‌گردد.

جدول شماره ۱۳: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین مرد آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش ندیده میانگین رتبه	آموزش‌دیده میانگین رتبه	Z	p
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۲۰/۰۳	۳۵/٤۲	۲/۹۲۸۸	۰/۰۰۰۱
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۱۹/۹۷	۳۵/۵	-۳/۸۷۸۳	۰/۰۰۰۱
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۲۱/۵۰	۳۳/٦۵	۲/۹۸۹٦	۰/۰۰۲۸
٤	شیوه‌های فرزند پروری	۲۰/٤۳	۳٦/۹٤	-۳/۵۵۳۱	۰/۰۰۰٤

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بر اساس آزمون مان – ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه‌شده در سطح P<0.05 معنادار است بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین مرد آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در خصوص « علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری، تفاوت وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر میانگین رتبه نمرات مرد آموزش‌دیده بیشتر از میانگین رتبه نمرات مرد آموزش‌ندیده بوده است. بنابراین بین میزان تأثیر آموزش خانواده بر سرمایهٔ فرهنگی والدین مرد خانواده آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در خصوص مؤلفه‌های ٤گانه سرمایهٔ فرهنگی، تفاوت وجود دارد. بنابراین فرضیه تأیید می‌گردد.

جهت بررسی این سؤال که آیا میزان موفقیت تحصیلی فرزندانی با سبک‌های مختلف تربیتی پرورش‌یافته‌اند متفاوت است، از روش تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود الگوهای فرزند پروری مختلف تفاوت معناداری در سطح P < ۰/۰۱ بین موفقیت تحصیلی فرزندان ایجاد کرده است. برای تعیین جایگاه تفاوت‌ها از آزمون تعقیبی توکی بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین شیوهٔ فرزند پروری سهل گیر با شیوهٔ فرزند پروری قاطع. اطمینان‌بخش و بین شیوه فرزند پروری مستبد با شیوهٔ فرزند پروری مستبد با شیوهٔ فرزند پروری قاطع و اطمینان‌بخش تفاوت معناداری وجود دارد. ولی بین شیوهٔ فرزند پروری سهل گیر با شیوهٔ فرزند پروری استبدادی تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین،نتیجه گرفته شد که بیشترین میزان موفقیت تحصیلی در بین فرزندانی دیده می‌شود که مطابق سبک قاطع و اطمینان‌بخش تربیت می‌شوند و کمترین میزان موفقیت تحصیلی در بین فرزندانی دیده شد که مطابق سبک مستبد یا سهل گیر تربیت می‌شوند.

جدول شماره ١٤. تحلیل واریانس،برای مقایسه میزان موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوی فرزند پروری

الگوهای فرزند پروری	نمره موفقیت تحصیلی	F میزان	سطح معناداری	جایگاه تفاوت، بر اساس آزمون توکی
سهل گیر	١٦/٨١	١٧٦/٦٤٥	٠/٠٠٠١	
مستبد	١٦/٩٣			
قاطع و اطمینان	١٨/٩٤			

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش خانواده در شکل و سامان دادن به رفتارهای موردنیاز آنان مؤثراست و ابزارهای لازم برای مواجهه با شرایط و موقعیت‌های مختلف در تربیت فرزندان را در اختیار والدین قرارمی دهد. یافته‌های حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به شرح زیراست:

بر اساس یافته‌های پژوهش برنامه درسی آموزش خانواده بر سرمایهٔ فرهنگی خانواده و موفقیت تحصیلی فرزندان آن‌ها مؤثر بوده است. این نتیجه با پژوهش اسدی (۱۳۷۹) که رابطه معنادار بین آموزش خانواده و ارتقای آگاهی‌ها و دانسته‌های تربیتی والدین و شیوه‌های مناسب روابط خانوادگی را تأیید کرده و کریم پور (۱۳۸۲) مبنی بر اینکه بیشترین مشکلات دانش آموزان دبیرستانی را مربوط به خانواده دانسته‌اند و تأثیر مثبت شرکت والدین در جلسات آموزشی در پیشگیری و کاهش مشکلات تأییدشده، نیز همسو بوده است. همچنین با نتیجه پژوهش عبادی و معتمدین (۱۳۸۵) که تأثیر آموزش را بر شیوه‌های فرزندپروری و روابط صحیح و سلامت روانی خانواده تأیید کرده‌اند و با یافته‌های پژوهش مزاروس وهمکاران (۲۰۰۲)، کریستین سون وهمکاران (۲۰۰۳) ولورین وهمکاران (۲۰۰٤)، همسویی دارد. در تبیین این نتیجه به نظرمی رسد که اطلاع والدین از روش‌های سرمایه‌گذاری فرهنگی در خانواده برای رشد سرمایه فرهنگی، سبب می‌شود که در رفتارهای خود تجدیدنظر کرده و روش‌های مؤثر سرمایه‌گذاری را در خانواده خود در پیش بگیرند. از این طریق می‌توانند فضای فرهنگی را غنا بخشیده و ضمن تأمین موفقیت تحصیلی برای فرزندان، فرایند رسیدن به داشتن خانواده‌ای موفق را تسهیل کنند. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزند پروری مقتدرانه و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌دار وجود دارد (فرضیه اول) همچنین محاسبات نشان داد بین درآمد و تحصیلات والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد اما بین درآمد و تحصیلات والدین و شیوه‌های فرزند پروری رابطه‌ای مشاهده نشد. همان‌گونه که گفته شد در بررسی فرضیه اول رابطه معنی‌داری بین شیوه فرزند پروری و پیشرفت تحصیلی مشاهده شد. این یافته با نتایج بامریند (۱۹۹۱) که به این مسئله

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

اشاره می‌کند که کودکان والـدین قـاطع و اطمینـان‌بخـش هـم در مهـارت‌هـای شـناختی وهـم در مهارت‌های اجتماعی در سطح نسبتاً بالایی قرار می‌گیرنـد و در نوجـوانی مطمـئن، روبـه ترقـی و ازنظر اجتماعی باکفایت بودند و همچنین نتایج تحقیقات کوریدو، وارنرو ایبرگ[1] (۲۰۰۲) اکوئلینـو وساپل (۲۰۰۱) و گالامبوس وهمکاران (۲۰۰۳) معتمدی (۱۳۸۷) که نشان دادند سبک‌های فرزنـد پروری مقتدر با سازمان‌دهی، پیشرفت تحصیلی وجهت گیری عقلانی رابطه مثبـت دارد همخـوانی دارد. همچنـین بـا تحقیقـات دورنبـوش وهمکـاران (۱۹۸۷) کـه پـی بردنـد شـیوه‌هـای والـدینی "سلطه‌گرانه "و آزادمنشانه "با پایه‌های بالاتر رابطه منفی داشته درحالی‌که شیوه والدینی "مقتدرانـه "با پایه‌های بالاتر رابطه مثبت داشته همخوانی دارد. تبیینی که برای این پاسخ می‌تـوان ارائـه نمـود این است که در طول چند دهه پژوهش، نشان داده‌شده که اقتدار والدین با گستره‌ای از شـناخت و نتایج اجتماعی عاطفی مثبت، مرتبط بوده به‌عنوان‌مثال شیوه والدینی مقتدرانه با "پیشرفت تحصیلی بهتر "(شوارتز ووس،۱۹۹٦. وینترویافی،۲۰۰۰، بـا " انطبـاق بهتـر "(نگرانـی روان‌شـناختی کمتـر، مشکلات رفتاری کمتر، ارتباط بهتر با همسالان (فلوگنی واکلس،۱۹۹۳ سلیکر،۱۹۹۸) سطح بـالاتر شایستگی، عزت‌نفس بالاتر، استقلال و اعتمادبه‌نفـس بیشـتر (بامرینـد،۱۹۸۳) مـرتبط بـوده اسـت همچنین در مورد نبود رابطه بین مؤلفه‌های خانواده و شیوه‌های فرزند پروری باید گفت سبک‌های والدینی در خانواده‌های مختلف متفاوت است و مشاهده‌شده است که در بسیاری از خانواده‌هـایی که ازنظر اقتصادی و فرهنگی در سطح پایینی هستند شیوه‌های تربیتی مناسبی را در مورد فرزنـدان خود اعمال نمودند وبالعکس. و اینکه چه شیوه تربیتی مناسب اسـت در فرهنـگ‌هـای مختلـف و دوره‌های مختلف متفاوت بوده است.

این یافته با نتایج پژوهش معتمدی (۱۳۸۷) که نشان داد بین برخی عوامل بوم‌شـناختی از قبیـل سن والدین، تحصیلات پدر و شیوه‌های والدینی رابطه‌ای وجود ندارد همخوان است. همچنـین بـا

1-querido&warner, eyberg

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تحقیقات جرج (۲۰۰٤) که اشاره نمود بین شیوه والـدینی و جـنس والـدین و همـین‌طـور جـنس کودکان رابطه‌ای مشاهده نشد همخوان است.

در رابطه با بررسی تفاوت بین مؤلفه‌های خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آمـوزان کـه نتـایج به‌دست‌آمده تفاوت بین میزان درآمد خانواده، سواد پدر و سواد مادر با پیشرفت تحصیلی را تأییـد و تفاوت بین سن پدر و مادر و اندازه خانواده با پیشرفت تحصیلی را تأیید نمی‌کند نتایج به‌نـوعی با تحقیقات کالمن وهمکـارانش (۱۹۹٦) (بـولس، ویلـی وفیکـرو، کارویـت) کـه نقـش وضـعیت اقتصادی –اجتماعی خانواده به‌عنوان عامل مسلط را در پیشرفت تحصیلی فرزندان مورد تأکید قرار داده‌اند، فخر زارعی (۱۳۸۰) که به این نتیجه رسید هر چه سطح تحصیلات بـالاتر باشـد انگیـزش پیشرفت افزایش می‌یابد و همچنین با نتایج پژوهش معتمدی (۱۳۷۵) که عنوان کـرده اسـت سـن والدین تأثیری بر پیشرفت تحصیلی فرزندان ندارد همخوان است. تبیینی که می‌توان در مـورد ایـن یافته‌ها ارائه داد این است که با توجه به اینکه این پژوهش در مناطق روستایی و دورافتاده صـورت گرفته که تعداد اعضای خانواده‌ها با توجه به بافت فرهنگی و مذهبی منطقه بالا و در صـد زیـادی (۳٦٪) از افراد نمونه متعلق به خانواده‌های ۷ تا ۸ نفری هستند نتیجـه قابـل دفـاع و توجیـه‌کننـده است

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده مدل متناسب با شیوه مقتدرانه مـدل اثربخشـی بـرای غنـی‌سـازی خانواده‌ها است. بر این اساس آموزش و آگاهی اولیاء در این زمینه ضروری است به اولیاء شـیوه ه مقتدرانه برخورد با فرزندان آموزش داده شود وبر نقش آگاهی و سواد در تربیـت فرزنـدان تأکیـد شود والدین باید انتظارات و توقعات معقول و منطقی و در حد توان فرزندان از آن‌ها داشته باشـند که این امر باعث به وجود آمدن عزت‌نفس و خود پنداره بالا در آن‌هـا مـی‌شـود. بـر ایـن اسـاس چنانچه اولیا قادر باشند افکار و احساسات خود را با افکار و احساسات نوجوان خود همسو کننـد و انطباق دهند، می‌توانند آن‌ها را درک کنند. چنین درکی باعث مـی‌شـود تـا آن‌هـا بـا درایـت بـه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

برخورد با نوجوان خود بپردازند و از پیش‌داوری‌های گوناگون نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود به‌موقع جلوگیری کنند و برخوردهای متناسب با آن‌ها طرح‌ریزی کنند.

پیشنهادها

در تحقیقات آینده نقش متغیرها در دوره‌ها و جنس‌های مختلف بررسی شود و به‌منظور حصول نتایج دقیق‌تر از آزمون‌های استاندارد برای میزان پیشرفت تحصیلی استفاده شود. همچنین شیوه‌های فرزند پروری در امور، تحصیلی، شغلی، مسائل خانوادگی و سلامت روان از حوزه‌های مهم و کاربردی است که باید در پژوهش‌های آتی موردتوجه قرار گیرد. همچنین تجدیدنظر در برنامه‌های آموزش خانواده تا آن‌ها بتوانند با سرمایه‌گذاری روی سرمایه فرهنگی خانواده خود، فضای فرهنگی خانواده را غنا بخشیده، موفقیت تحصیلی فرزندان خود را تسهیل کنند. از این طریق فرزندان نیز، اعتمادبه‌نفس و انگیزه‌های قوی‌تری برای پیشرفت و موفقیت در همه عرصه‌های زندگی خود خواهند داشت.

فهرست منابع

- ابراهیم‌زاده پارسایی، ملیحه (۱۳۸۷)"مقایسه سبک‌های فرزند پروری والدین مذهبی و غیرمذهبی "پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی
- اسدی، شهرام (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود، ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، شماره ۱۵.
- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷٤) بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران مبتلابه اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان، پایان‌نامه فوق‌لیسانس، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷٦). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- بوردیو، پیر(۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی،ترجمه مرتضی مردیها، تهران:انتشارات نقش و نگار.
-بوردیو پی یر (۱۳۷۷). ذوق هنری و سرمایه فرهنگی ترجمهه لیلی مصطفوی نامهه فرهنگ ش ۳۰۰.
-بالیس، کرستوفر (۱۳۸۰) ذهنیت نسلی (دیدگاهی روانکاوانه درباره نسل‌ها): ترجمه حسن پاینده، فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی ارغنون شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱ الی ۲۹.
-برجعلی،(۱۳۷۸)رابطه الگوهای فرزندپروری والدین با تحول روانی – اجتماعی فرزندان،رساله دکتری،رشته روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی..
- پورزارعیان، ناصر؛ بررسی وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های جوانان در میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی آنان (مطالعه موردی در شهر تبریز) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
-پروین،لارنس ای(۱۳۷٤)روانشناسی شخصیت(نظریه وتحقیق).ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور:تهران.موسسه خدمات فرهنگی رسا.
-تاج‌بخش،کیان(۱۳۸٤). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه،ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه

-توسلی،غلامعباس،مرضیه موسوی، (۱۳۸٤)،مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک وجدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی،نامه علوم اجتماعی،شماره ۲٦
-ثنائی، باقر(۱۳۷۸). نقش « خانواده‌های اصلی» در ازدواج فرزندان، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران، بهار و تابستان، جلد ۱، شماره ۲.
-خدایی،ابراهیم (۱۳۸۵). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین دانش آموزان با احتمال قبولی آن‌ها در آزمون سراسری،فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران،سال اول،شماره ٤.
-دلاور،علی،(۱۳۸۱)روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی،تهران،موسسه نشر ویرایش
-رمضانی،محمد(۱۳۸٤).تبیین رابطه سرمای فرهنگی با هویت جوانان،پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی،دانشکده ادبیات و علوم انسانی
-سیدمن، استیون(۱۳۸۸).کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، هادی خلیلی، تهران،:نشر نی، چاپ دوّم.
-سمیعی،زهره(۱۳۷۹). تأثیر سرمایه‌های فرهنگی،اجتماعی و اقتصادی خانواده بر روی موفقیت‌های تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

-سپهر،مهدی (۱۳۹۰).بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با موفقیت تحصیلی (مطالعه موردی دانش آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه شهرستان جوین)،پایان‌نامه کارشناسی ارشد،دانشگاه مازندران
-سفیری،خدیجه،راضیه آراسته و مرضیه موسوی۱۳۸۹،تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده،مجله زن در توسعه و سیاست،دوره هشتم، شماره یک.
-سوارتز، دیوید(۱۳۸۸). خصوصیات اصلی جامعه‌شناسی فرهنگ،ترجمه شفیع صالحی،فصلنامه اقتصاد سیاسی، شماره دهم.
-شارع پور،محمود،وغلامرضا خوش فر(۱۳۸۱).رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان درشهرتهران، مجله علوم اجتماعی شماره بیست.
-عبادی،غلامحسین ومختارمعتمدین،(۱۳۸۵)بررسی رابطه ولی – فرزندی،ابراز وجود و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر شهر تبریز،فصلنامه علمی – پژوهشی انجمن مشاوره ایران،جلد٦ شماره
-عبدلی پور وهمکاران،(۱۳۸۷)ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل وخودپنداره فرزندان،دانش وپژوهش درروانشناسی،شماره ۳۷.ص۱۲۸
-فاضلی،محمد(۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی،قم :انتشارات صبح صادق.
-فراهانی،ابوالفضل و فردانش (۱۳۸۰). مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت‌بدنی در دو نظام آموزش از راه دورو حضوری، مجله علمی پژوهشی، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی شماره۲۱ و ۲۲ پیاپی
- فونتن، اولیویه وکریستین شویره(۱۳۸۵) واژگان بوردیو،مترجم مرتضی کتبی، تهران:نشر نی، چاپ اول.
-قاسمی،وحیدوهمکاران(۱۳۸۸). تعیین کننده های ساختاری وسرمایه ای سبک زندگی سلامت محور، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال١٦،شماره ٦٣.
-کلاین برگ،اتو (۱۳۷۲). روانشناسی اجتماعی. ترجمه علی محمد کاردان، تهران نشر اندیشه، جلد دوم.
-کلمن،جیمز(۱۳۷۷). بنیاد های نظریه های جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

-کریم پور،احمد(۱۳۸۲)بررسی دیدگاه اولیای دانش آموزان دوره متوسطه شهرناییین درباره مشکلات ارتباطی آنان با یکدیگر،پایان نامه کارشناسی ارشد،سازمان آموزش وپرورش استان اصفهان.

-گیدنز، آنتونی.۱۳۸۳.جامعه شناسی،ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی

-لطف آبادی،حسین(۱۳۸۱)رشد و تغییرات تفکر در نوجوانی و جوانی، سازمان ملی جوانان، تهران، انتشارات نسل سوم.

-معتمدی،عبداله (۱۳۸۷)،"بررسی شیوه‌های والدینی و تأثیر آن بر تحصیلات فرزندان،مجله علمی –پژوهشی روان‌شناسی، شماره ٤،صص ۳۸۳-۳۷۰

-مینوچین سالوادور (۱۳۷۵) خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمه: باقر ثنائی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

-نوغانی،محسن(۱۳۸۲).تأثیر نابرابری سرمایه‌های فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت،شماره۹۱.

-نوغانی، محسن (۱۳۸۲). آموزش‌وپرورش و بازتولید فرهنگی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره.

-نوابی نژاد،شکوه،(۱۳۷۰).مبانی رفتار،نشریه: روان‌شناسی و علوم تربیتی » پیوند » بهمن ۱۳٦۹ – شماره ۱۳٦

-وکیلیان، سید آرش(۱۳۸۷). سرمایه فرهنگی و چگونگی استفاده از اینترنت در دانشجویان ساکن خوابگاه (بامطالعه موردی کوی دانشگاه)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

-وکیلیان، سید آرش(۱۳۸۷). سرمایه فرهنگی و چگونگی استفاده از اینترنت در دانشجویان ساکن خوابگاه (بامطالعه موردی کوی دانشگاه)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

-ین شویره، کریستی و فونتن، اولیویه(۱۳۸۵). واژگان بوردیو، مرتضی کتبی،تهران، نشر نی،چاپ اول.

- Aquilino, W.S.& Supple ,A.J.(2001).Long-term effects parenting practices during adolescence on well-being :outcomes in young adulthood. Journal of family issues,22 (3),289-308.

- Baumrind,D (1991) Current patterns of parental authority. Developmental psychology Monographs,4,1-101

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Berndt,t.j(1997).child Development. London Haroout, Brace Jovanovich.Brier,j.Elliot,D (2003)prevalence and psychological sequel of self report childhood psychological and sexual and in a general populations amole of menand women child abuse and neglect vol27,iss10.pages 1205-122.

- Bourdieu, pierre and J.C.passeron, (1990), Reproduction in Education, Society,.and Cultural, Sage publications Inc.

- Bourdieu, pierre and J.C.passeron, (1990), Reproduction in Education, Society,.and Cultural, Sage publications Inc.

- Cahng, sang-soo (2003) “Patterns and Changes of Educational Attainment in Korea, Sunchon National University

- Cahng, sang-soo (2003) “Patterns and Changes of Educational Attainment in Korea, Sunchon National University

- Christenson, Sandra.jane, Conoley and other practioners,(2003).Pareneducation,website development center for information technology impacts children.

- De Graaf, Paul M & De Graaf Nan Dirk (2002) “Cultural and economic

- Dimaggio, 1982, crook 1997, de graaf&degraaf and kreaykamp ,2000

- Dimensions of family Background and Educational De Cissions

- Dobbines, B. (2006).Lation adolescents' perceptions of parenting style, locus of contro and school climate. Dissertation. Www. Proquest.com

- Elliot B,Weininger& Annette Lareau(2007) , Cultural Capital in Educational Reaserch :a Critical Assessment.Theory and Society

- Hornby, G. (1994).counseling in child disability. London: chapman and hall.

- Hornby, g. (2000).improving parental involvement. London: cassell.

- Lamborn,S.D and et.al.(1991).Patterns of competence and adjustment among adolessens from authoritive and authoritarian and neglectful Families.Adolesnt

- Lilly withe, H.S. &BRRADLY, d.p. (1996).Communication problems in mental retardation.New York: Harper and row.

- Lareau, A. Weninger, E.B. (2003). Cultural capital in educational research: a critical assessment. Theory and socity.32: 267-606

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Maccoby, E, MARTIN, J. (1992) socialization in context of the family parents.child interaction. In. 66-EM, Hetherington (ED) p.h. mussen Lseriesed, Hanbook of child pcychology.vol4 *SOCIALIZATION.* Personality and social Development (pp-11_14) New York :wiley.

- Major bank, Kevin (1996), Family Learning Enviromentsans Students, outcomes: AReview. journal of comparative family Studies27(2)

- Majorbank,kevin(1996),FamilyLearning Enviromentsans Students ,outcomes:AReview.journal of comparative family Studies27(2)

- Maslen,Jeffrey(1995)Study Finds Class Division in Access to Australian Higher Education ,The Chronicof Higher Eduction,Vo:63,No:3

- Maslen,Jeffrey(1995)Study Finds Class Division in Access to Australian Higher Education ,The Chronicof Higher Eduction,Vo:63,No:3

- Mendenhall, T.j. (1996).The effectiveness of family intervention for psysical disorder.jornal of marital and family, 29.

- Mezaros, S.Melissa-chase. (2002).Bonnie-granam, Gloria-bird, parent education, website development center for information technology impacts on children.

- Netherlands", Spring meeting of ISA Research on social stratifications Nijmean University

- Satier, V. (1997).The people making. Mountain view ,California : Science behavior books.inc

- Siu Wah, Cahn (1998), "explaining education success with special reference to Bourdieu's theory of cultural capital", dissertation for the degree of master of education, Hong Kong University.

- Sullivan, Alice (2001) "cultural capital and educational attainment Sage journals of sociology, vol.35, no,4

- Sullivan, Alice(2003) Cultural Capital, Rational Choice and Educational Inequalities ,August 30,

- Weininger, Annette (2006) Cultural capital, University of Maryland, College Park

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]